

کتاب: پرسمان علوم قرآنی--نویسنده: سید محمد حسن جواهری--موضوع: علوم قرآنی--تاریخ وفات مؤلف: معاصر--زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱--ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی--مکان چاپ: قم--سال چاپ: ۱۳۸۵--نوبت چاپ: سوم

فصل اول: کلیات

تعریف علوم قرآنی

منظور از «علوم قرآنی» چیست؟ «علوم قرآنی» اصطلاحی است درباره مسائلی مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن؛ فرق این رشته با «معارف قرآنی» آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد؛ اما «معارف قرآنی» کاملاً با مطالب درونی قرآن و محتوای آن سروکار داشته، یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود؛ «۱» نظیر خدانشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، نبوت، امامت، معاد، اخلاق و...؛ به عبارت دیگر، «علوم قرآن» شامل مجموعه‌ای از علوم و معارف مربوط به قرآن است که به طور خاص در خدمت فهم قرآن می‌باشد؛ مانند: علم رسم، علم قرائات، علم اسباب النزول و... قید به‌طور خاص، علمی را که مختص به قرآن نیست، ولی مقدمه فهم قرآن است، مانند: صرف و نحو، از تعریف بیرون می‌کند. اصطلاح علوم قرآنی در قرن پنجم و ششم پدید آمد و علم تفسیر که تا آن زمان، علمی از علوم قرآنی به شمار می‌آمد از آن جدا شد. «۱»

(۱). محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۷.

در حوزه علوم قرآنی چند علم وجود دارد؟ کدام یک، مورد نیاز جامعه کنونی است؟ مباحث طرح شده در حوزه علوم قرآنی بسیار است. جلال الدین سیوطی در دائرة المعارف علوم قرآنی خویش به نام الاتقان فی علوم القرآن، هشتاد مبحث را مطرح کرده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی عبارت است از: تاریخ قرآن (وحی، نزول، تدوین و جمع‌آوری قرآن و قرائات)، تحریف‌ناپذیری، اعجاز و تحدی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تأویل و تفسیر. در این میان برخی مباحث، مانند وحی‌شناسی و نزول قرآن شناخت و جوه اعجاز قرآن و تحریف‌ناپذیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا الهی بودن قرآن را اثبات نموده، زمینه تقویت اعتقاد و اعتماد و در نهایت، ایمان راسخ را فراهم می‌سازد.

راه‌های آشنایی با علوم قرآنی

برای آشنایی با مباحث قرآنی، مطالعه چه کتاب‌هایی لازم است؟ مباحث قرآنی شامل علوم قرآنی و معارف قرآن است.

مهم‌ترین کتاب‌هایی که ما را در سطح مقدماتی با علوم قرآنی آشنا می‌کند عبارت‌اند از: قرآن در اسلام «۲»، درسنامه علوم قرآنی (سطح ۱) «۳» و آموزش علوم قرآنی «۴» است. و در سطح متوسط: درسنامه علوم قرآنی (سطح ۲) «۵»، علوم قرآنی «۶»، علوم قرآنی «۷» تاریخ قرآن «۱» و پژوهشی در تاریخ قرآن کریم «۲». برخی کتاب‌های مرجع در علوم قرآنی عبارتند از: البرهان فی علوم القرآن «۳»، الاتقان فی علوم القرآن «۴»، التمهید فی علوم القرآن «۵»، و علوم القرآن عند المفسرین «۶».

پاورقی

(۱). سید علی کمالی دزفولی، شناخت قرآن، ص ۲۸؛ محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، مقدمه ج ۸. (۲). علامه سید محمد حسین طباطبایی.

(۳). حسین جوان‌آراسته. (۴). محمد هادی معرفت. (۵). حسین جوان‌آراسته. (۶). محمد هادی معرفت. (۷). محمد باقر سعیدی روشن.

مهم‌ترین کتاب‌ها درباره معارف قرآن عبارتند از: تفسیر المیزان «۷»، تفسیر نمونه «۸» و ...

و تفسیرهای موضوعی مانند: پیام قرآن «۹»، منشور جاوید «۱۰»، و تفسیرهای موضوعی استاد آیه الله جوادی آملی.

قرآن به چه معنا است؟ درباره لفظ «قرآن» چند معنا گفته شده است:

۱. قرآن بر وزن «غفران»، مصدر و از ماده (قرأ) گرفته شده؛ به معنای خواندن است (مانند: قرائت الكتاب: کتاب را خواندم). در این فرض، قرآن به معنای اسم مفعول (مقروء- مقروء) تلاوت شده) به کار رفته است. (نظر عبد الله بن عباس و لحياني) «۱۱»

۲. قرآن مصدر و از (قرء- قری) گرفته شده و به معنای جمع کردن است (مانند:

قرأت الماء فی الحوض: آب را در حوض جمع کردم) و این نام، بدین جهت است که قرآن، ثمرات و نتایج کتب آسمانی پیشین را در خود جمع دارد و یا به این دلیل است که سوره‌ها و آیات، اوامر، نواهی، قصص، و ... در آن جمع شده است (نظر قتاده، ابن اثیر و زجاج) «۱»

پاورقی

(۱). محمود رامیار. (۲). سید محمد باقر حجتی. (۳). محمد بن عبد الله زرکشی. (۴). جلال الدین سیوطی. (۵). محمد هادی معرفت. (۶). به کوشش محققان «مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم». (۷). علامه سید محمد حسین طباطبائی. (۸). زیر نظر ناصر مکارم شیرازی. (۹). همان. (۱۰). جعفر سبحانی. (۱۱). ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۹؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۶۹.

۳. قرآن، از ماده قرن مشتق شده و به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است و چون آیات و سور آن به یکدیگر نزدیک و مقرون به گونه‌ای خاص به هم مرتبطند، به آن قرآن می‌گویند. (نظر اشعری)؛ بنابراین نظریه، قرآن مهموز خوانده نشده، و نون جزء حروف اصلی کلمه است.

۴. قرآن مشتق از (قرائن) و قرائن جمع قرینه است؛ چراکه آیات قرآن بعضی قرینه و مؤید بعضی دیگر است و بعضی، برخی دیگر را تفسیر و تصدیق می‌کند و به هم شباهت دارد. (نظر فرآء) بنابراین نظریه هم قرآن مهموز خوانده نمی‌شود و نون جزء حروف اصلی کلمه است. «۲»

اسامی و صفات قرآن

آیا می‌توان فهرستی دقیق و کامل از اسامی و صفات قرآن ارائه داد؟ قرآن و مصحف (نامی که بشر بر قرآن نهاده است)، اسم‌های علم قرآن است.

این‌گونه اسم‌ها به آوردن قرینه نیاز ندارد و ذهن مخاطب را به مسمای خود رهنمون می‌کند.

عناوین دیگری که در قرآن، به طور یقین به صورت اسم برای آن مطرح شده عبارت است از: تنزیل، کتاب، فرقان و ذکر.

از میان صفات قرآن، مشهورترین آنها در خود قرآن عبارتند از: احسن الحدیث، بشیر، بصائر، بلاغ، بیان، حکیم، مبارک، ذی الذکر، شفاء، عربی، عزیز، الحکیم، العظیم، کریم، مبین، المجید، قیم، متشابه، مثانی، مجید، نذیر.

(۱). علامه شرتونی، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۹۷۷؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۷۸.

صفات دیگری نیز در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و دیگر کتب روایی برای قرآن آورده شده که جز مواردی مانند ربیع القلوب، معمولا از نام‌های قرآنی استفاده شده و یا مشابه آن است.

فرقان یعنی چه؟ «فرقان» دراصل، مصدر به معنای فرق گذاردن است؛ لیکن در قرآن به معنای اسم فاعلی یعنی فارق و جداکننده به کار رفته و در بسیاری از موارد می‌توان آن را به معنای جداکننده حق از باطل گرفت. «۱» فرقان در برخی روایات به آیات محکم اطلاق شده، ولی قرآن همه آیات را شامل است. «۲» گفتنی است که این وصف از زبان پیامبر صلی الله علیه و اله درباره حضرت علی علیه السلام نیز به کار رفته است، زیرا آن بزرگوار در قیامت، جداکننده مؤمنان از کافران و بهشتیان از دوزخیان خواهد بود. «۳»

فرق کتاب مبین و امّ الكتاب را بیان کنید.

مقصود از کتاب مبین در آیه دوم سوره زخرف این است که حقایق قرآن آشکار، مفاهیمش روشن، دلایل صدقش نمایان و راه‌های هدایتش واضح و مبین است. «وإنه فی أمّ الکتب». «۴» «امّ» در لغت به معنای اصل و اساس هر چیزی است و «امّ الكتاب» به معنای کتابی است که اصل و اساس همه کتاب‌های آسمانی است و همان لوحی است که نزد خداوند از هرگونه تغییر و تبدیل و تحریفی محفوظ است و

باورقی

(۱). ر. ک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۳-۶۴. (۲). کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۱. (کتاب فضل القرآن، باب النوادر). (۳). شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۴۵۵ و ج ۲، ص ۴۰۲؛ محمد کراجکی، کتاب التعجب، ص ۳۵. (۴). زخرف، آیه ۴.

همان کتاب علم پروردگار است که همه حقایق عالم و حوادث آینده و گذشته و همه کتاب‌های آسمانی در آن درج شده است. «۱» پس منظور از «امّ الكتاب»، لوح محفوظ و مقصود از «کتاب مبین»، صفتی از اوصاف قرآن است.

عربی بودن قرآن

چرا قرآن به زبان عربی نازل شده است؟ نزول قرآن به زبان عربی با توجه به عرب زبان بودن خود پیامبر صلی الله علیه و اله و مخاطبان اولیه قرآن، امری طبیعی به نظر می‌رسد و اگر قرآن به زبانی دیگر نازل می‌شد سؤال می‌شد با این‌که مخاطبان نخستین آن عرب زبان بودند، چرا به عربی نازل نشد؟ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: اگر این قرآن را به زبان عجمی (غیر عربی) می‌فرستادیم می‌گفتند: چرا آیاتش روشن و آشکار نیست؟ آیا کتاب عجمی بر پیامبری که خودش عرب است نازل می‌شود؟ «۲» بنابراین، طبیعت امر اقتضا می‌کرد که قرآن به زبان عربی نازل شود. «۳» خود قرآن هم با توجه به این نکته می‌فرماید: **وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ** «۴»؛ و اگر آن [قرآن] را بر برخی از غیر عرب زبانان نازل می‌کردیم و [پیامبر] آن را بر ایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند.

بدیهی است وقتی آیین و دین اسلام می‌توانست موفق شود و در تمام جهان گسترش یابد که نخست در منطقه بعثت پیامبر صلی الله علیه و اله- که عرب‌زبان بودند- پذیرفته شود و عرب‌ها به آن ایمان آورند، آن‌گاه از سوی همین مؤمنان در تمام جهان منتشر شود.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ «۵»؛ هیچ رسولی را نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا این که خوب و روشن پیام را به آنها برساند.

پاورقی

(۱). ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۷-۹؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۸۳-۸۴ ---- (۲). فصلت، آیه ۲۴. -- (۳). محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۶؛ همو، قرآن شناسی، ج ۱، ص ۹۸. -- (۴). شعراء، آیه ۱۹۸-۱۹۹. (۵). ابراهیم، آیه ۴.

فضائل و آثار قرائت قرآن چه آیاتی در قرآن کریم درباره پزشکی و طبابت وجود دارد و آیا ما می‌توانیم در معالجه امراض از قرآن استفاده کنیم یا نه؟ قرآن

کریم، کتاب انسان‌سازی است و هدف آن، هدایت انسان به سوی کمال و برآوردن نیازهای بشر در این مسیر است. این هدف، عمدتاً در چند محور از جمله: اعتقادات، اخلاقیات و احکام، پی‌ریزی شده است؛ بنابراین، قرآن، کتاب کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، طبابت و ... نیست، بلکه شأنش بالاتر از این معنا است و اگر دیده می‌شود که گاه از مسائل علمی نیز در قرآن ذکری به میان آمده، به دلیل مسائل دیگر است.

در مورد طبابت باید دانست که معالجه، به وسیله پزشک انجام می‌گیرد؛ ولی شفا با خدا است. چه بسا معالجه صورت پذیرد، ولی شفایی در کار نباشد. شفا، گاهی از راه معمول آن، یعنی معالجه پزشکی و خوردن دارو و گاهی از راه‌های دیگر به دست می‌آید؛ به عبارت دیگر، خدا شفا را گاه در عوامل طبیعی و گاه در معنویات و عوامل غیرطبیعی قرار می‌دهد. قرآن نیز می‌تواند عاملی معنوی برای شفای امراض جسمی باشد. در این مورد نیز هم خود قرآن اشاره دارد و هم از اهل بیت علیهم السلام روایات و احادیث متعددی به دست ما رسیده که در بیماری‌های جسمی به قرآن پناه می‌بردند و یا بیماران را به قرآن ارجاع و پناه می‌دادند و شفای امراض را در آن جست‌وجو می‌کردند. «۱» در این‌جا دو نمونه از این روایات را می‌آوریم:

۱. در کتاب طب الائمه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: کسی را که سوره «حمد»

پاورقی

(۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: بحار الانوار، ج ۹۲، (باب فضائل سور القرآن و آیاته)؛ محمد شب‌زنده‌دار، شفاخانه قرآن؛ مجتبی رضائی، شفا و درمان با قرآن؛ سید رضا پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵-۱۰؛ عبد الحمید دیاب، احمد قرقوز، طب در قرآن، ترجمه علی چراغی.

و «توحید» درمان نکند هیچ چیز دیگری درمان نخواهد نمود. هر دردی را این دو سوره درمان می‌کنند.

۲. هم‌چنین در کتاب مکارم الاخلاق از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود:

«لو قرأت الحمد علی میت سبعین مره ثم ردت فیهِ الروح ما کان عجبا» «۱»؛ اگر پس از قرائت هفتاد بار سوره «حمد» بر مرده‌ای، زنده گردد، تعجبی نیست. «۲»

قرآن نیز به شفای معنوی و جسمانی بشر اشاره نموده است:

۱. یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ ... «۳»؛ ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.

۲. وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا «۴»؛ و از قرآن آن چه را شفا و رحمت برای مؤمنان است نازل می کنیم [درحالی که] ستم کاران را جز خسارت نمی افزاید.

۳. درباره عسل می فرماید: يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ «۵»

آثار و فواید خواندن قرآن چیست؟ در میان کلمات گهربار پیشوایان معصوم علیهم السلام فواید بسیاری برای قرائت قرآن می توان یافت که بخشی از آن چنین است:

۱. خداوند، به قرائت کننده قرآن، پاداشی بزرگ خواهد داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود:

«هرکس برای رضای خدا و آگاهی عمیق در دین، قرآن بخواند، ثواب ملائکه و انبیا و رسولان را

(۱). همان، ص ۲۵۷. (۲). شایان ذکر است که روایاتی از این دست بیان مقتضی است، شخصی که سوره حمد را می خواند و اعتقاد راسخ او به این روایات و تأثیرگذاری خواندن سوره حمد، نقش دارد. (۳). یونس، آیه ۵۷. (۴). اسراء، آیه ۸۲. (۵). نحل، آیه ۶۹. -----

خواهد داشت.» «۱»

۲. بالا رفتن مقام و درجه قاری در بهشت: «حفص گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است. به قاری گفته می شود: بخوان و [در مراتب بهشت] بالا برو. سپس می خواند و مقامش بالا می رود.» «۲»

۳. آمیخته شدن قرآن با گوشت و خون قاری: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونش آمیخته خواهد شد.» «۳»

۴. صفای دل: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «بدون شک این دل ها زنگار می گیرد؛ هم چنان که آهن زنگ می زند. عرض شد: صیقل آن به چیست؟ فرمود به قرائت قرآن.» «۵». استجاب دعا: امام باقر علیه السلام فرمود: «دعا را هنگام چهار چیز غنیمت بشمارید: قرائت قرآن و ...» «۴»

۶. نورانی شدن خانه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «خانه های تان را با تلاوت قرآن نورانی کنید ...» «۵»

۷. افزایش برکت خانه: امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین نقل می کند:

«خانه ای که در آن قرآن تلاوت و یادی از خدا شود، برکتش زیاد شده، ملائکه در آن جا حاضر می شوند و شیاطین را دور می کنند ...» «۶»

۸. بهترین عبادت: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «بهترین عبادت امت من، تلاوت قرآن است.» «۷» ۹. بخشش گناهان، نوشته شدن حسنه و پاک شدن گناهان. «۸»

(۱). وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۴. (۲). وسائل الشیعه، ص ۱۸۷. (۳). کافی، ج ۲، ص ۵۶۸. (۴). همان، ص ۴۴۸. (۵). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۰. (۶).

کافی، ج ۲، ص ۵۷۵. (۷). وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۸. (۸). کافی، ج ۲، ص ۵۷۵ و ۵۸۴

۱۰. تخفیف عذاب از پدر و مادر: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس قرآن را تلاوت کند، چشمانش روشنایی می‌یابد و از پدر و مادرش عذاب کم می‌شود، هر چند کافر باشند.» «۱»

۱۱. باروری ایمان: «۲»

۱۲. روشنایی چشمان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌فرماید: چشم‌درد داشتیم، به جبرئیل شکایت کردم، گفت: پیوسته به قرآن نگاه کن. «۳»

الف) آیا احادیثی که در فضیلت و خواص سوره‌ها و آیات قرآن آمده، معتبر و متقن است؟

ب) آیا متن و سند آن بررسی شده و می‌توان برای آن سلسله سند ارائه کرد؟

ج) آیا احادیث مزبور با قرآن، سنت متواتر و عقل، تعارض ندارد؟

د) احادیث با لفظ معصومین: بیان شده یا نقل به معنا شده است؟ الف) در مورد فضیلت و خواص سوره‌های قرآن، روایات فراوانی نقل شده است؛ لیکن نمی‌توان در مورد آنها حکم کلی صادر کرد؛ بلکه باید یکایک روایات را بررسی و آن‌گاه به صحت یا عدم آن حکم کرد؛ به‌ویژه که روشن است برخی مغرضان به ساختن حدیث در این باره اقدام کرده‌اند.

علامه امینی رحمه الله به نقل از قرطبی می‌گوید: «به مردی از زهاد که به وضع [جعل] حدیث در فضیلت قرآن و سوره‌های آن اقدام نموده بود، گفته شد: چرا چنین کردی؟ در جواب گفت: دیدم مردم از قرآن کناره گرفته‌اند، خواستم به این وسیله آنان را به آن ترغیب نمایم!

به او گفته شد: با گفته رسول خدا: «من کذب علی متعمدا فلیتبوء مقعده من النار» «۴»

پاورقی

(۱). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۲. -- (۲). غرر الحکم، ص ۱۱۲. --- (۳). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۲. -- (۴). هر کس به عمد سخنی را به دروغ به من نسبت دهد، جایگاهش آتش جهنم است --

چه کردی؟ در جواب گفت: من به زیان او دروغ نگفتم؛ بلکه به نفعش حدیث ساختم! هم‌چنین، وقتی از ابی عصمه (نوح بن ابی مریم مروزی) - که روایات فراوانی درباره فضایل یک‌یک سوره‌های قرآن از عکرمه از ابن عباس نقل کرده است - سؤال شد: این همه احادیث را از کجا آورده‌ای؟ در جواب گفت: «هنگامی که دیدم مردم به فقه ابی حنیفه [و مغازی] [محمد بن اسحاق] سرگرم شده و از حفظ و قرائت قرآن اعراض کرده‌اند، این احادیث را قریباً الی الله وضع کردم!» «۱»

ب) بیشتر این روایات، همراه با سند ذکر شده؛ لیکن ذکر سند، بر صحت آن دلالت نمی‌کند. و ظاهراً کتابی که سند این روایات را بررسی کرده و صحیح را از غیر صحیح جدا کرده باشد، در دسترس نیست. ممکن است با توجه به روایات بتوانیم ثواب‌هایی را که برای قرائت آیات و سوره‌ها وارد شده ثابت کنیم. برخی از این روایات عبارتند از: ۱. قال الصادق علیه السلام: «من سمع شیئا من الثواب علی شیء فصنعه کان له؛ و ان لم یکن علی ما بلغه».

۲. قال الباقر علیه السلام: «من بلغه ثواب من الله علی عمل، فعمل ذلك العمل التماس ذلك الثواب، أوتیه؛ و ان لم یکن الحدیث کما بلغه» «۲»

مقصود این دسته روایات، آن است که اگر کسی شنیده باشد انجام دادن فلان عمل، فلان ثواب را دارد، او هم به امید رسیدن به آن ثواب، به انجام دادن آن عمل اقدام نماید، خداوند هم تفضلاً پاداش وعده داده شده را به او خواهد داد؛ اگرچه ائمه علیهم السلام چنان دستوری را هرگز نداده و چنان پاداش و ثوابی را هرگز نفرموده باشند.

پاورقی

(۱). علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۶-۲۷۵؛ زین العابدین قربانی، علم حدیث، ص ۷۳.

(۲). در اصطلاح، به این دسته از احادیث، «اخبار من بلغ» گفته می‌شود. امام صادق علیه السلام: «هرکس ثوابی را برای انجام دادن عملی بشنود و آن عمل را انجام دهد، ثواب از آن او خواهد بود؛ هرچند شنیده‌اش مطابق با واقع نباشد.» امام باقر علیه السلام: «هرکسی را که از جانب خداوند پاداش عملی در رسد و آن عمل را به امید پاداش انجام دهد، بدان دست خواهد یافت؛ هرچند حدیث، آن گونه که او دریافته است نباشد.» (ر.ک: کافی، ج ۲، ص ۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰-۸۲).

البته با توجه به این احادیث نمی‌توان نتیجه گرفت که همه اخباری که درباره ثواب قرائت سوره‌ها و آیات رسیده، صحیح است و از معصومین علیهم السلام صادر شده؛ بلکه می‌توان نتیجه گرفت در مستحبات، خداوند متعال از باب تفضل و رحمت و واسع خودش، این ثواب‌ها را به بندگان عنایت می‌کند. در ضمن این اخبار برای اثبات معارف دینی و احکام شرعی قابل استدلال نیست؛ زیرا برای اثبات معارف دینی و احکام شرع، نیازمند دلیل، برهان و روایات معتبر هستیم. توجه به این نکته لازم است که اصل استحباب قرائت سوره‌ها، مسلم است.

بنابراین، با توجه به مسامحه در دلایل و منابع مستحبات که از آن به «تسامح در ادله سنن» تعبیر می‌شود، تا جایی که از روایات فضایل و خواص سوره‌ها و آیات قرآن، بوی وضع و ساختگی استشمام نشود و با قرآن، سنت و عقل مخالفت نداشته باشد، معتبر است؛ ولی اگر مضمون حدیثی با حکم عقل مخالف بود (و این خود دلیل روشنی است که روایت از معصوم نبوده و دست وضع و جعل در آن راه یافته است) «۱» چنانچه روایت قطعی الصدور بود، توجیه و اگر قطعی الصدور نبود، کنار گذاشته می‌شود.

(د) در این احادیث مزبور، عین لفظ معصوم است یا نقل به معنا شده، علاوه بر این که دلیلی در دست نیست، حکم کلی نمی‌توان ارائه کرد؛ بلکه باید یک‌یک بررسی شود. و اصل اولی این است که عین عبارت روایت نقل شود؛ چنان که روش محدثان چنین بوده و فقها نیز بر تک تک کلمات روایت، اثر مترتب می‌کنند؛ لیکن برخی روایات، بر جواز نقل به معنا دلالت می‌کند:

محمد بن مسلم گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: سخن شما را می‌شنوم و بر آن

پاورقی

(۱). زین العابدین قربانی، همان، ص ۷۶.

می‌افزایم یا از آن می‌کاهم، فرمود: اگر نظر به معنای حدیث داری، منعی در میان نیست.

داود بن فرقد گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: کلام شما را می‌شنوم، قصد دارم چنان که شنیده‌ام نقل کنم؛ اما چنان نمی‌شود. در پاسخ فرمود: به عمد چنین کاری انجام می‌دهی؟ گفتم: خیر فرمود: به معنا نظر داری؟ گفتم: آری. فرمود: منعی در میان نیست.» «۱»

آیا درباره فضایل و خواص سوره‌ها و آیات قرآن مجید، کتابی معتبر و مستند، که بتوان از آن دفاع نمود، (به زبان فارسی و یا عربی) نوشته شده است؟ در این باره، کتاب‌های زیادی نوشته شده، هم‌چنین بیشتر مفسران در ابتدای تفسیر هر سوره، روایات فضیلت تلاوت آن را بیان کرده‌اند، ولی هیچ‌یک بررسی دقیقی انجام نداده‌اند. بنابراین به صورت قطعی نمی‌توان حکم کرد.

مناسب است برخی کتاب‌هایی که بهتر و کامل‌تر از بقیه به نظر می‌رسد، معرفی کنیم:

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، نوشته شیخ صدوق، صفحات ۱۰۴-۱۲۹. در این کتاب برای فضیلت هر سوره، روایتی همراه با سند آن ذکر شده است.
۲. بحار الانوار، نوشته علامه مجلسی، جلد ۹۲. در این مجلد، روایاتی در خواص آیات و سوره‌های قرآن در موضوعات متعدّد بیان شده است.
۳. جامع الاخبار و الآثار عن النّبی و الائمه الاطهار علیهم السّلام نوشته محمد باقر ابطحی اصفهانی. مجلد دوم این کتاب، که بیش از ۶۵۰ صفحه است، روایات شیعه و اهل تسنّن در فضیلت تلاوت سوره‌ها و آیات قرآن را ذکر کرده است.

پاورقی

(۱). کافی، ج ۱، ص ۱۰۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مهدی مهریزی، «نقل به معنا»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۲، ص ۳۹-۵۶.

۴. ثواب الاعمال و عقابها، نوشته علی محمد دخیل، صفحات ۱۸۹ تا ۲۲۹.---۵. القرآن، فضائله و آثاره فی النشأتین، نوشته سلمان النّجفی، صفحات ۲۱۴ تا ۳۷۰.-----

بیشتر احادیث این کتاب، همراه با سند نقل شده است.

۶. القرآن، ثوابه و خواصّه، نوشته محمد رضا حکیمی، صفحات ۴۱-۱۵۳.---۷. ثواب قرائت سوره‌های قرآن، نوشته رضا بزاز بنابی.---۸. فضایل و آثار قرائت سوره‌ها، نوشته عبّاس عزیزی.

دیدگاه دانشمندان غربی درباره قرآن

نظریات دانشمندان غربی را درباره عظمت قرآن بنویسید.

دانشوران غیر مسلمان درباره قرآن و عظمت آن مطالب فراوانی گفته‌اند که نقل آنها از حوصله این نوشتار خارج است و تنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. فرانسوا ماری ولتر (فیلسوف نامدار و نویسنده بزرگ فرانسوی): «من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین ارائه دهند، او حتماً اولی را بر دومی ترجیح می‌دهد، زیرا کتاب محمد صلی الله علیه و اله در ظاهر، افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است!»
۲. لئون تولستوی (فیلسوف و نویسنده مشهور روسی): «هر کس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن را مطالعه کند. در آن جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار، صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است. در این کتاب، آیات فراوانی هست که به خوبی بر مقام عالی دین اسلام و پاکی روح‌آورنده آن گواهی می‌دهد!»
۳. ادوارد مونتّه (مترجم قرآن به زبان فرانسوی و استاد دانشگاه ژنو): «قرآن برای ما مسیحیان، کتابی فوق العاده سودمند است ... مطالب قرآن مقارن با اصول و قواعد معقول و توأم با تعبیرات خوش‌آیند و شگفت‌انگیز است. اصول فلسفه روحانی را به زبان دینی در آن خواهید یافت [کتابی است] به غایت ملیح و بدیع و جالب، مانند مروارید. مسائل دینی را چنان مشروح و مدلل بیان کرده که حقا این‌گونه بیان در عهد ظهور پیامبر عرب، حیرت‌آور است!»
۴. امین بک نخله (شاعر مسیحی لبنان): «ای محمد! قسم به دین عیسی بن مریم و قسم به چوبه‌های دار مسیح که ما در این محیط عربی چشم‌های خود را به تو دوخته‌ایم و افکار ایمانی در انجیل مسیح، چشمان ما را به قرآن دوخته است.»

۵. دکتر مارکس (اندیشور انگلیسی): «قرآن، شامل تمامی پیام‌های خدایی است که در تمام کتب مقدسه، عموماً برای جمیع ملل آمده ... و چاره‌ای جز این اعتراف ندارم که این کتاب محکم، بسیاری از اشتباهات بشر را تصحیح کرد.»

۶. کنت کریک (استاد دانشگاه کمبریج): «من مسلمان نیستم تا بگویم قرآن کلام خدا می‌باشد، ولی در مدت چهارده قرن که از آمدن قرآن می‌گذرد هیچ کس نتوانسته است در زبان عربی کلامی بیاورد که با قرآن برابری کند ... قرآن کتابی نیست که برای یک دوره به خصوص آمده باشد. کتابی است جاوید برای تمام اعصار و تا جهان است نوع بشر می‌تواند قرآن را راهنمای زندگی خود قرار بدهد ... چرا که قرآن برای یک دوره به خصوص نیامده و هرگز کهنه نمی‌شود؟ ... زیرا چیزی وجود ندارد که در قرآن نیامده باشد.»

۷. ادوارد گیوجا (دانشمند ایتالیایی): «من پیرامون ادیان قدیم و جدید تحقیق فراوان نموده‌ام ... در نتیجه به دست آورده‌ام که یگانه آیین آسمانی و حقیقی اسلام است.»

۸. ژوزف ارنست رنان (فیلسوف معروف فرانسوی): «در کتاب خانه شخصی من هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی و ... وجود دارد که همه آنها را بیش از یک‌بار مطالعه نکرده‌ام ... ولی یک جلد کتاب است که همیشه مونس من است ... و از مطالعه زیاد آن خسته نمی‌شوم. این کتاب، قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان است!»

۹. دکتر گوستاو لوبون (مورخ فرانسوی): «قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، منحصر به تعالیم و دستورهای مذهبی تنها نیست؛ بلکه دستورهای سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است ... تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات اخلاقی انجیل است.»

۱۰. ناپلئون بناپارت (امپراتور فرانسه): «قرآن به تنهایی عهده‌دار سعادت بشر است ... کجا است آن روزی که ما مجتمع و هیئتی بزرگ از سیاستمداران و علمای حقوق دنیا تشکیل دهیم؟ قرآن کلام الهی و متین‌ترین قوانین محمدی همان نسخه پرافتخار بشری را پیش رو گذاریم و از روی آن قوانین و سعادت حقیقی بشر را تنظیم کنیم.»

۱۱. مهاتما گاندی (رهبر اسبق هند): «از راه آموختن دانش قرآن، هرکسی به اسرار وحی و حکمت‌های دین ... نایل می‌شود.»

۱۲. گوته (شاعر و نویسنده آلمانی): «قرآن، اثری است که به واسطه سنگینی عبارت‌های آن، خواننده در ابتدای امر رمیده می‌شود و سپس مفتون جاذبه آن و بالاخره بی‌اختیار مجذوب زیبایی‌های بی‌پایان آن می‌گردد ... سالیان دراز کشیشان از خدایی خبر ما را از پی‌بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن دور نگه داشته‌اند ... و نزدیک است که این کتاب وصف‌ناپذیر، عالم را به خود جلب و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان گذاشته، در نتیجه جهان‌مدار گردد.»

در پایان، لازم است یادآوری کنیم که عظمت قرآن بیش از آن است که ما چشم به زبان غریبان بدوزیم تا ببینیم آنان درباره قرآن چه می‌گویند یا انتظار داشته باشیم آنان تمام فضایل قرآن را برای ما بازگو کنند؛ ولی درخشش این نور الهی به گونه‌ای است که دوست و دشمن را به چنین اعترافاتی واداشته است. «۱»

(۱). ر. ک: محمد جواد باهنر، قرآن در نظر اروپاییان؛ حسین وجدانی، نظریه دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد صلی الله علیه و اله؛ خیر الله مردانی، اعتراف دانشمندان بزرگ جهان؛ علی آل اسحاق خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان؛ محمد مهدی علی قلی، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، ص ۱۳-۸۰؛ سید علی اکبر صداقت، قرآن و دیگران، ص ۱۶-۴۷.

احترام به قرآن

میزان احترام‌گذاری یک نوجوان، جوان و بزرگسال به قرآن باید در چه حدی باشد؟ آیا در این مورد به خصوص، روایاتی موجود است؟

احترام به قرآن از شروط تماس با قرآن و بهره‌برداری از معارف بلند آن است. در آیه ۷۹ سوره واقعه می‌خوانیم: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ و جز پاکان نمی‌توانند آن را مس کنند.

آیه مذکور براساس تفسیرهای مطرح شده، به شرط طهارت در مسّ ظاهری و استفاده معنوی از مفاهیم قرآن تفسیر شده است. در مورد تفسیر اول (تماس ظاهری) در روایتی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌خوانیم: «قرآن را بدون وضو مس نکن، و نه در حال جنابت، و دست بر خط آن در این حال مگذار و آن را به گردن می‌فکن؛ چرا که خداوند متعال فرموده: جز پاکان آن را مس نمی‌کنند.» «۱» همین معنا در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام با تفاوت اندکی، نقل شده است. «۲»

درباره مسّ معنوی نیز از ابن عباس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله روایت شده که درباره آیه إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ «۳» فرمود: نزد خداوند در صفحات پاکیزه‌ای است و جز پاکان آن را مس نمی‌کنند و پاکان مقربان هستند. «۴»

لزوم طهارت برای تماس ظاهری و معنوی با آیات قرآن، خود بهترین دلیل بر عظمت و وجوب تکریم آن است. در آیات دیگری مانند آیه ۲۰۴ اعراف درباره ضرورت ترک کارها و گوش فرادادن به قرآن می‌خوانیم: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ هنگامی که قرآن خوانده شود

(۱). وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۹. (۲). همان، ص ۲۷۰. (۳). واقعه، آیه ۷۷-۷۸. (۴). جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۶۲-----

گوش فرادهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید.

این آیه به همگان، عالم و جاهل، مرد و زن، کوچک و بزرگ دستور می‌دهد در برابر قرآن احترام گذاشته، به هنگام تلاوت آیات آن از سخن گفتن و پرداختن به کارهای دیگر خودداری کنند تا مشمول رحمت پروردگار شوند و این به علت عظمت قرآن است.

احادیث فراوانی درباره فضیلت و آداب قرائت قرآن و اهتمام و رجوع به آن نقل شده آمده که از عظمت و شأن معنوی این کتاب الهی حکایت دارد و البته در این روایات که تعداد آنها نیز بسیار است، هیچ‌گاه بین مخاطبان فرق گذاشته نشده است. «۱»

برای نمونه روایتی را از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله ذکر می‌نماییم: «القرءان افضل کلّ شیء دون الله، فمن قرء القرآن فقد قرء الله و من لم یقرء القرآن فقد استخف بحرمه الله» «۲» قرآن برترین خیر پس از خدای متعال است. هرکس قرآن را احترام کند، خدا را احترام گذارده و هرکس حرمت قرآن را ننگه ندارد، حرمت الهی را سبک شمرده است. روشن است که مطالب مذکور چگونه بودن را به ما می‌آموزد؛ ولی عملاً کسانی که معرفتشان نسبت به قرآن بیشتر است و از انوار الهی آن بهره بیشتری برده‌اند، نسبت به قرآن احترام فراوان‌تری قائلند؛ بنابراین، لازمه ادای حق قرآن، فهمیدن مقام آن است و این جز با تفکر در آیات آن و آگاهی از معارف الهی میسر نخواهد بود.

جایگاه قرآن:

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و اله: «إذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن.» «۳» هنگامی که فتنه‌ها هم‌چون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود فروگرفت، بر شما

(۱). ر. ک: کافی، ج ۲، ص ۵۹۶، کتاب فضل القرآن. (۲). محمد بن محمد سبزواری، جامع الاخبار، ص ۴۷؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۶. (۳). کافی، ج ۲، ص ۵۹۹. -----

است که ملازم قرآن شوید. ۲. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ما عدل أحد عن القرآن إلّا إلى النار» «۱» کسی از قرآن روی گردان نشد، مگر آن که به سوی آتش روی آورد.

(۳). قال امير المؤمنين عليه السلام: «و اعلموا أنّ هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغشّ و الهادي الذي لا يضلّ و المحدث الذي لا يكذب» «۲» بدانید این قرآن پندآموز خالصی است که خیانت نمی‌کند و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید.

۴. قال امير المؤمنين على عليه السلام: «ما جالس هذا القرآن أحد، إلّا قام عنه بزيادة أو نقصان: زيادة في هدى أو نقصان من عمى» «۳» کسی با این قرآن همنشین نشد، مگر آن که چون از نزد آن برخاست با زیادی و یا کاستی همراه بود: زیادی در هدایت و یا کاستی در کوردلی.

۵. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كلام الله غضّ، جديد، طريّ.» «۴» کلام خداوند، تازه، جدید و باطراوت است.

۶. قال الباقر عليه السلام: «إنّ القرآن حيّ لا يموت» «۵» همانا قرآن، زنده است و نمی‌میرد.

(۱). همان، ص ۶۰۱. (۲) نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۷۵. (۳). نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۷۵. (۴). مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۷. (۵). تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳. -----

۷. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «القرآن غني لا غني دونه و لا فقر بعده» «۱» قرآن، توانگر [و بی‌نیازی] است که بالای آن توانگری نیست و از پس آن فقری نیست.

۸. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فضل القرآن على سائر الكلام، كفضل الله على خلقه» «۲» برتری قرآن بر سایر سخنان، همانند برتری خدا بر بندگانش است.

۹. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أصدق القول و أبلغ و الموعظة و أحسن القصص، كتاب الله» «۳» کتاب خدا راست‌ترین گفتار و رساترین موعظه و نیکوترین قصه‌ها است. ۱۰. قال امير المؤمنين على عليه السلام: «أفضل الذكر، القرآن، به تشرح الصدور و تستنير السرائر» «۴» برترین ذکر، قرآن است. بدو سینه‌ها گشاده و پوشیده‌ها [درون‌ها و قلب‌ها] روشن شود. ۱۱. قال امير المؤمنين على عليه السلام: «تعلموا القرآن فأنه ربيع القلوب» «۵» قرآن را بیاموزید که آن بهار دل‌ها است.

۱۲. قال على عليه السلام: «إنّ القرآن ظاهره أنيق و باطنه عميق» «۶» همانا ظاهر قرآن، شگفت‌انگیز و نیکو و باطنش ژرف و عمیق است.

(۱). نهج الفصاحه، ص ۶۰۲. (۲). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹. (۳). بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۶. (۴). میزان الحکمه، ح ۱۶۴۱۶.

(۵). وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۴. (۶). نهج البلاغه، خطبه ۱۸. -----